

Human innate psychological characteristics in adolescence infrastructure for optimal training with emphasis on Islamic perspective

Ali Naghi Fghihi

Associate Professor, Qom University, Iran
an-fghihi@qom.ac.ir

Abstract

The aim of this study is psychological characteristics of human nature that is based on Islamic teachings in the traditions of the Infallible Imams (AS) for optimal training in adolescence should be considered.

The research method is descriptive and to collect the necessary data, the traditions of the Infallible Imams (AS) on the subject of psychological characteristics innate, were studied by using the form for taking notes from sources, characteristics of psychological training in adolescence the emphasis has been collected and were analyzed with descriptive qualitative methods.

The results showed that the teachings of the Imams, infrastructure, the psychological characteristics of eternal perfection-seeking, desire for social cognitive development and intellectual excellence, trends and goods, well, Of religion and the right of love, kindness, spirit of independence and lack of dependence on others, responsibility, preserving and promoting self-esteem And tend to be filled with activities vigorously to educate young desired, is emphasized.

Keywords: psychological characteristics, temperament, appropriate parenting teens.

ویژگی های روانشناختی فطری انسانی زیربنا برای تربیت مطلوب در

دوره نوجوانی با تأکید بر دیدگاه اسلامی^۱

دکتر علی نقی فقیهی

دانشیار دانشگاه قم
an-faghihi@qom.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه ویژگی های روانشناختی فطری انسانی است که براساس آموزه های اسلامی در روایات ائمه معصومین(ع) برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی باید مورد توجه قرار گیرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و به منظور گردآوری داده ها، روایات ائمه(ع) در پیرامون موضوع ویژگی های روانشناختی فطری، مورد مطالعه قرار گرفته و با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع روایی، ویژگی های روانشناختی ای که برای تربیت در دوره نوجوانی مورد تأکید بوده است، جمع آوری و با روش کیفی توصیف و تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که در آموزه های ائمه معصومین(ع)، زیربنا قرار دادن ویژگی های روانشناختی کمال جاویدخواهی، میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، گرایش به خوبی ها و خیرها، دین گرایی و حق پذیری، محبت و مهربانی، روحیه استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران، مسئولیت پذیری، حفظ و ارتقاء بخشی عزت نفس و تمایل به فعالیت های پر شور و نشاط به منظور تربیت مطلوب نوجوانان، مورد تأکید است.

کلید واژه ها: روانشناسی دینی، فطرت، تربیت، نوجوان.

^۱ این مقاله در "چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی" نیز ارائه شده است. (قم: دانشگاه قم، بهار ۱۳۹۷)

مقدمه

نوجوانی یکی از مهمترین و پرارزشترین دوران زندگی هر فرد محسوب می شود زیرا تحولات و دگرگونی های جسمی و روانی خاص در این دوره پدید می آید و شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می دهد و در حقیقت نوجوانی و بلوغ نقطه عطفی در گذر زندگی آدمی از مرحله کودکی به بزرگسالی محسوب می شود. (مهاجر، ۱۳۷۹، ص ۲-۱)

به عنوان یک واقعیت، دوره نوجوانی را باید یک مرحله بسیار مهم از زندگی تلقی کرد، دوره ای که با ویژگی هایش از سایر دوران زندگی متمایز می شود. گرچه همه دوران عمر مهم است ولی نوجوانی مرحله ای تعیین کننده در سیر زندگی سعادت‌مندان یا شقاوت‌مندان دارد. (حسینخانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

در طی دوره نوجوانی نوعی گم‌گشتگی درباره نقش‌هایی است که از فرد انتظار می رود که آنها را ایفا کند. نوجوان در این زمان نه کودک است و نه بزرگسال اگر نوجوان مانند کودکان رفتار کند به او گفته می شود که مانند سن خودش عمل کند. اگر او سعی کند نظیر بزرگسالان عمل کند اغلب متهم می شود. (فولادی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸)

در دوره نوجوانی خواسته های روانی خاصی به صورت نیاز، نمود می یابند و بستر برای به فعلیت رسیدن آنها فراهم می - گردد (اصلانی، ۱۳۹۲، ص ۶). و اگر زمینه برآورده شدن این نیازها به شیوه مناسب، فراهم نشود، مشکلات روانی - تربیتی دامن نوجوان را می گیرد. از این لحاظ توجه به شناخت این خواسته ها و نیازهای روانی، قدم اساسی در کمک به تربیت، رشد و شخصیت سالم نوجوان است. (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۱)

در این راستا از منظر دین مبین اسلام برای تربیت صحیح نوجوانان و رساندن آنان به زیست مؤمنانه، بهره گیری از تربیت مطلوب اثربخش ضرورت دارد و آشنائی مربیان و مبلغان با خواسته ها و نیازهای روانشناختی نوجوانان که از فطرت آنان سرچشمه می گیرد، می تواند زمینه ارتباطی مناسب را با آنها فراهم سازد و فرآیند تربیت مطلوب آن را سرعت و ارتقا ببخشد. پژوهش حاضر به شناسایی و تبیین این گونه ویژگی های روانشناختی در دوره نوجوانی، می پردازد.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام گرفته نشان می دهد، خواسته ها و ویژگی های نوجوانان از زوایای مختلف از سوی پژوهشگران مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته است؛ اما پژوهشی که به طور ویژه به معرفی خواسته های روانشناختی نوجوانان که در فطرت ریشه دارد، پرداخته باشد وجود ندارد. در ادامه برخی از پژوهش هایی که تا اندازه ای با موضوع تحقیق مرتبط هستند، مرور می شوند.

اکبری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «نیازهای نوجوانان و جوانان» از ویژگی هائی مانند نیازمندی به سلامت، خودآگاهی، خودمدیریتی، تحصیل، شغل، فراغت و سرگرمی، ارتباط با دیگران، مدیریت روابط، درک مسائل عاطفی، اطلاعات فرهنگی، آگاهی از مسائل جهانی، کسب مهارت و راهنمایی و مشاوره به عنوان مهم ترین نیازها و ویژگی های نوجوانان و جوانان یاد می کند.

نتایج پژوهش هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۳)، با عنوان «بررسی نیازها، علایق و اولویت های دختران نوجوان شهر تهران» نشان می دهد که نیاز به اعتماد عمومی و اعتماد نهادی بالاترین اهمیت و اولویت را برای دختران دارند.

شعبانی و باباگل زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی ویژه با عنوان «روانشناسی تربیت نوجوانان در سیره معصومین (ع)» که با رویکردی دینی و روان‌شناختی انجام داده اند، به بیان نیازهای اساسی نوجوان مانند نیازهای زیستی، روانی، نیاز به مهر و محبت والدین و اطرافیان، نیاز به معنویت، پذیرش و توجه دیگران، اکرام شخصیت، مقبولیت اجتماعی، تشویق، استقلال، عدالت و امنیت پرداخته اند.

سلطانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله مراتب نیازها» نیازهای انسان را متناظر با هرم نیازهای مازلو در پنج طبقه (نیاز به حیات، نیاز به امنیت، نیاز به محبت، نیاز به کرامت و نیاز به کمال) تنظیم نموده و تلاش کرده است تا علاوه بر ابعاد مادی نیازها بر ابعاد معنوی هر طبقه از نیازها نیز تأکید کند. از نظر او مهمترین مزیت این تحقیق آن است که در هر دسته از نیازها، عوامل مثبت مؤثر در تأمین نیازها و نیز موانع تأمین نیازها از دیدگاه قرآن کریم شناسایی و معرفی شده است.

شرفی و شرفی (۱۳۹۲)، که در صدد «تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی» بوده اند، بیان می دارند که در بعد شناختی بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان به ترتیب عبارتند از: شناخت مفهوم پلورالیسم دینی، روش های پژوهش دینی و آشنایی با ادیان دیگر و پایین ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه شناخت مفهوم توکل به خداوند بوده است. در بُعد عاطفی، بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان به ترتیب عبارتند از: آموزش در خصوص چگونگی احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام زمان (ع) و پایین ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان بوده است. در بُعد عملکردی بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان عبارتند از: آموزش در زمینه مشارکت در نماز جمعه و پایین ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در خصوص چگونگی روزه گرفتن بوده است.

داودی (۱۳۸۴)، که گام خوبی در راستای «بررسی شیوه ها و روش های ارتباط تربیتی با نوجوانان و جوانان در اسلام» برداشته، بیان می دارد که نوجوانی و جوانی بهترین دوره زندگی انسان را تشکیل می دهد. این قشر جزء مهم ترین سرمایه های هر اجتماعی هستند، چرا که نیروی فعال و کارآمد یک جامعه محسوب می شوند، بنابراین بحث تربیت صحیح این قشر باید جزء مسائل هر جامعه ای محسوب گردد.

علاءالدین (۱۳۸۴)، در مطالعه ای با نام «نقش داستان های قرآنی به نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان» چنین می نویسد که قصه های قرآن کریم نقش عمده ای در پاسخگویی به نیازها و رفع مشکلات روانی، اخلاقی کودکان و نوجوانان (از جمله: نیازهای عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، مذهبی، نیاز به دانستن و نیاز به شناخت استعدادها و توانایی ها) دارد.

الیور^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، که در صدد «نیازسنجی دانش آموزان دوره متوسطه» بودند نشان دادند که نیازهای اجتماعی بالاترین اهمیت را از دیدگاه دانش آموزان داشتند و فقدان کمک از جانب بزرگسالان یکی از مهم ترین خلأهای مربوط به نیازهای اجتماعی بوده است. از دیگر یافته های این پژوهشگران می توان به این نکته اشاره نمود که در دوره متوسطه نیازهای نوجوانان به طور مناسب و کافی سنجیده نمی شود.

چاکلی^۲ (۲۰۰۴)، نیز ضمن بررسی «نیازهای یادگیرندگان نوجوان» به این نتیجه رسید که خروج از سرگردانی میان دوره های کودکی و جوانی و محور قرار دادن نظرات در تصمیم گیری ها از جمله مهم ترین نیازهای نوجوانان است.

پژوهش های فوق و جستجو در مقالات منتشر شده در حوزه ویژگی ها و نیازهای نوجوانان، گویای این نکته است که تاکنون در هیچ اثر پژوهشی مستقلی، ویژگی های روانشناختی نوجوانان که ریشه در فطرت بکر انسانی داشته و در روایات اسلامی، زیربنای بودن آنها برای تربیت تبیین شده باشد، مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف پوشش دادن این خلأ علمی نگاشته شده است.

^۱. Oliver

^۲. Checkley

روش پژوهش

برای نیل به هدف پژوهش از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و به منظور گردآوری داده های لازم، فطرت انسانی بر اساس آموزه های اسلامی در روایات معصومان(ع) مورد مطالعه قرار گرفت و با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع روایی، ویژگی های فطری آدمی که برای تربیت در دوره نوجوانی مورد تأکید بوده است، جمع آوری و با شیوه های کیفی توصیف و تحلیل گردید.

مفهوم شناسی

بسترسازی بحث، نیاز به شناخت مفاهیم کلیدی است. مفاهیم تربیت، ویژگی های روانشناختی فطری و نوجوان، مفاهیم کلیدی بحث هستند که در زیر به تبیین آنها می پردازیم:

تربیت مطلوب

واژه تربیت نیز که از نظر لغوی به معنی پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد نسبت به شاگرد و دیگر زبردستان به کار رفته است(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶)، از ریشه «ربی» و «ربأ» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می کند. در اصطلاح، تربیت عبارت است از فراهم آوردن زمینه و امکانات برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی های بالقوه انسان و هدایت آن درجهت مطلوب(میناگر، ۱۳۹۰، ص ۱۷). تربیت آن هنگام مطلوب فطرت آدمی است که نیل به هدف های طولی در سطوح رفتاری، کلی و غائی تأمین شود و تمام فعالیت های زندگی، در جهت دستیابی به هدف خلقت تنظیم گردد.

مفهوم ویژگی های روانشناختی فطری

منظور از ویژگی های روانشناختی فطری، ویژگی های روانی شناختی و روانی عاطفی است که هماهنگ با هدف آفرینش، در اصل خلقت انسان سرشته شده است.

فطرت نحوه خاصی از آفرینش و خلقت است که حقیقت آدمی به آن نحو سرشته شده است. و از یک سلسله امور روانی خدادادی حکایت می کند که در میان همه آدمیان مشترک است و هر یک از آن ها اقتضائاتی خاص دارد(مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵). یکی از آنها بینش شهودی، گرایش آگاهانه و پرستش خاضعانه نسبت به حضرت حق است.(جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۶۹)

مفهوم نوجوان

در عربی چند واژه از نوجوان حکایت دارد که در روایات اسلامی برای تربیت و هدایت در دوره نوجوانی از آنها استفاده شده است.

الف- «الحدث» به معنای نوجوان است.^۱ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۷) «حدائث السن» کنایه از جوانی و اول عمر است و «حدثان» جمع حدث است و به معنای کسانی است که در سن نوجوانی هستند.^۲ (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۲) و یا کسی که در سنین تر و تازگی و شادابی قرار دارد^۳ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۶). منظور از کلمه احداث^۴ (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۸) در تعبیر امام صادق(ع)، نوجوانان است که توصیف شده اند به اینکه آنان، در این دوره سنی، نسبت به دیگر مراحل رشد، سریع تر به کارهای خیر روی می آورند.

ب- الغلام: در روایات، غلام، به معنای نوجوان هم آمده است. ریشه آن غ.ل.م و دلالت می کند بر تازگی و بلوغ جنسی و به معنای کسی است که تازه سبیلش در آمده است^۵ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸۷). در روایت آمده است که ابی بجیر عالم اهوازی می گوید: به خدمت ابن حنفیه برادر امام حسین(ع) رفتم، غلام نوجوانی وارد شد، ابن حنفیه به او سلام کرد و گفت: یا سیدی و بلند شد و میان دو چشمانش را بوسید. وقتی نوجوان رفت گفتم شما این غلام را سیدی خطاب کردید و در برابرش ایستادی و شما به او سلام کردی؟! گفت: بلی او امام من است. گفتم مگر او کیست گفت: او علی بن الحسین(ع) است.^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۲۲)

ج- المراهق در زبان عربی به نوجوانی که نزدیک به احتلام شده است گفته می شود^۷ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۵۱). و گاه در روایات وصف شاب به معنی تازه جوان مطرح شده است^۸ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۰۵)

د- «فتی» هم به کسی گفته می شود که در آغاز جوانی باشد^۹ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۳۷) به عبارت دیگر این کلمه معادل نوجوان است. مؤنث آن «فتیاه» و جمع آن «فتیه، فتیان، فتیات» می باشد. گاهی از این واژه به عبد و کنیز هم تعبیر می شود. مانند آیه ۳۰ سوره یوسف (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۵) و منظور از فتیات در آیه: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...» (نساء، ۲۵) نیز، تازه جوانانند. در روایات هم به همین معنی آمده است.^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰)

^۱ «شاب حدث و شابه حدثه یعنی فتیه فی السن».

^۲ «حدائث السن کنایه عن الشباب و اول العمر».

^۳ «الرجل الحدث: الطری السن».

^۴ «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أُسْرِعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ».

^۵ «الذی طر شاربہ ای طلع و ظهر».

^۶ «... كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَهُ فَمَرَّ بِهِ غُلَامٌ شَابٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ...»

^۷ «المراهق: الغلام الذی دانى الخلم».

^۸ «الشاب المراهق عندنا مثل هذا فأى شىء أقول و هى عليك فقال يا حكيم من حرم زينة الله اللى أخرج لعباده و الطيبات من الرزق يا حكيم إني حديث عهد بعرس».

^۹ «الفتى فى الأصل يقال للشاب الحدث».

^{۱۰} «...يا محمد لقد خرجت إلی كاتك فتى...».

رابطه ویژگی های روانشناختی و تربیت

تربیت مطلوب تغییر رشدی و کمالی پایدار است و نوع شدن تکاملی آدمی و اینکه چه باید بشود، مبتنی بر این است که آدمی چگونه است، چه می خواهد و چه توانمندی‌هایی برای بالندگی دارد. شناخت ویژگی های روانشناختی فطری، دستیابی به اهداف تربیت، جنبه ها و فرآیند رشد مطلوب آدمی را میسر می سازد و به انسانها این امکان را می‌دهد که مسیر زندگی را بسوی سعادت درست انتخاب کنند و با مسائل و مشکلات زندگی به طور منطقی و واقع بینانه برخورد نمایند.

ویژگی های روانشناختی فطری

بر اساس برداشت از آموزه های پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) ویژگی های روانشناختی فطری که توجه به آنها در تربیت مطلوب و شایسته نوجوانان بسیار مؤثر است، عبارتند از:

یک- کمال جاوید خواهی

میل به کمال، یکی از اصیل ترین امیال انسان است. انسان می خواهد سعه وجودی هرچه بیشتری بیابد و علمش، قدرتش، اراده اش و حیاتش، همه و همه نامحدود و مطلق گردد. میل به کمال، فقط به انسان اختصاص ندارد، بلکه شامل حیوان نیز می‌شود. آنچه ویژه انسان است، درجه خاصی از این کمال است که در حیوان یافت نمی‌شود. به بیان دیگر، تفاوت میان انسان و حیوان در حوزه تشخیص مصداق کمال است. حکما و عرفا بر وجود این گرایش فطری تأکید بسیار کرده اند. آیت الله شاه-آبادی در این باره می گوید: اگر ما به فطرت رجوع کنیم می یابیم که او عاشق کمال مطلق است، به طوری که اگر به همه حقایق کیهانی آگاه شود، آن را آرزو می کند. (درودی و ملکی، ۱۳۹۲، ص ۴۲)

امام علی(ع) با توجه به اینکه در جستجوی کمال بودن انسان، از عقل او ناشی می‌شود، می‌فرماید: در زندگی عاقل است که به دنبال کمال است.^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸)

دوره نوجوانی دوره‌ای است که کمال جوئی به اوج خود می‌رسد و از اینرو نوجوان توانایی‌ها را بسیج می‌کند تا مراتب کمال را کسب نماید و به آنچه به صورت فطری، در زندگی، طالب آنست دست یابد.

نوجوان همواره می‌خواهد در مسیر پیشرفت و رسیدن به کمال وجودی در حرکت باشد بگونه‌ای که به صورت طبیعی نمی‌خواهد دو روزش همانند هم باشد. امام صادق(ع) درباره نوجوانی که میل طبیعی اش به کمال کاهش یافته و تلاشش بگونه‌ای است که معمولاً دو روزش شبیه هم است و یا روز دومش بدتر از روز اولش است فرموده‌اند: «آن که دو روزش برابر باشد، مغبون است و آن که دومین روزش بدتر باشد، نفرین شده است، آن که پیشرفت را در خود نبیند، به نقصان نزدیک‌تر است و هر که به نقصان نزدیک‌تر باشد، مرگ از زندگی برایش بهتر است»^۲. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸)

^۱. «العَاقِلُ يَطْلُبُ الْكَمَالَ وَالْجَاهِلُ يَطْلُبُ الْمَالَ».

^۲. «من استوی يومه فهو مغبونٌ و من كان آخرَ يوميه، شرهما الى النقصان أقرب فالموت خيرٌ له من الحياه».

دو- میل به رشد شناختی و تعالی عقلی - اجتماعی

آدمی به صورت فطری خواهان دستیابی به دانش است. این میل در دوره نوجوانی ظهور برجسته ای دارد و می خواهد از هر چیزی سر در بیاورد. و از جمله می خواهد بداند که چه ویژگی های آفرینشی دارد و چگونه از دیانت فطری و ارزش انسانی خویش محافظت نماید. امام علی(ع) در پاسخ به همین خواسته نوجوانان، فرزند خود و فرزند برادر خود را خطاب می کند و می فرماید: «ای نوجوانان کوچکتر نسبت به بزرگترها، شما، در آینده جزء بزرگترهای قوم خود خواهید بود پس خود را به نیروی علم و دانش مجهز سازید»^۱ (احمدی میانجی، ۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۸). بطور کلی نوجوان این خواسته اش را که می خواهد هر آنچه را در زندگی انسانی به آن نیازمند است، بداند؛ در اولویت تلاش های خویش قرار می دهد. امام علی(ع) به این خواسته و اولویت دادن به آن اشاره می کند، آنجا که می فرماید: شایسته ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند آن چیزهایی هستند که هنگام بزرگسالی به آنها نیاز دارند^۲ (ابن ابی الحدید، ۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۳۳)

دانش طلبی و کشف حقیقت در دوره نوجوانی با تبادل نظر و مباحثه و گفتگو ادامه می یابد زیرا می خواهد در تضارب آراء و ادراکات عقل ها، رشد علمی بیشتری پیدا کند و مطمئن شود درست یافته است و یا احیاناً به زاویه ای توجه کرده و از زوایای دیگری مرتبط با موضوع غافل شده است. امام علی(ع) به منظور جهت دهی مطلوب به دانش طلبی نوجوانان، فراهم سازی زمینه بحث و گفتگو را برای آنان لازم دانسته و می فرماید: نوجوانان را به مباحثه و مناظره، سوق دهید^۳ (همان، ج ۲۰، ص ۲۸۵).

رشد شناختی - عقلی نوجوانان دارای ویژگیها و ابعاد مختلفی است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. پیدایش هوش نظری (تفکر انتزاعی): پیازه در این زمینه می گوید: کودکان غالباً مشاهده کنندگان جهان خارجی هستند و در قید واقعیت محصورند (تفکر حسی - حرکتی) و تفکر آنها وابسته به اشیای خارجی است. ولی نوجوان قدرت ذهنی فوق العاده ای پیدا می کند که او را از قید واقعیت های خارجی رها می سازد و او را به عالم ذهنی و درونی خود متوجه می گرداند. نوجوانی دوره تفکر انتزاعی است، «مَن» او آن قدر قوی است که می تواند دنیا را از نو بنا کند و چنان بزرگ است که می تواند آن را جزئی از خود کند. همان گونه که حضرت علی(ع) می فرماید: «و تحسب آنک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر» (میبدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۵) بر اساس همین تفکر انتزاعی، بعضی از نوجوانان خوب می نویسند و وقایع را دقیق مجسم می کنند و بعضی خوب سخنوری می کنند و مفاهیم را در قالب های متعدد بیان می نمایند. (شرفی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴)
۲. ظهور استعدادها: در نوجوانی، با افزایش سن، استعدادها نیز بیش تر اختصاصی می شود، در حالی که در کودکی بیش تر عمومی بود؛ مثلاً اگر دانش آموز سوم ابتدایی در درس فارسی قوی باشد معمولاً (نه همیشه) در سایر دروس هم نمره خوبی کسب می کند، بر خلاف نوجوان که ارتباط متقابلی بین دروس او دیده نمی شود و هر نوجوانی در درسی ممکن است موفقیتی کسب کند. یکی از اهداف روان شناسی تربیتی کشف همین استعدادها، و کمک به نوجوانان است تا استعداد های نهان خود را بیابند و شکوفا کنند؛ مثل بچه ای که (چه بسا به اجبار والدین) رشته ی ریاضی را انتخاب کرده ولی دائم در فکر کارهای هنری است که این نشان دهنده استعداد هنری اوست.

^۱ قال علی (ع) لفتیان قریش: «یا بنی و یا بنی أخی إنکم صغار قوم، و یوشک أن تکونوا کبار قوم آخرین، فتعلموا العلم، ...».

^۲ «أولی الأشیاء أن یتعلمها الأحداث الأشیاء التي إذا صاروا رجالا احتاجوا إليها».

^۳ «مروا الأحداث بالمرء و الجدال ...».

۳. شک و تردید: در این دوره، ساده اندیشی دوران طفولیت از بین رفته است و نوجوان به قضاوت و سنجش و ارزیابی مجدد اشیا، اشخاص، موضوعات و پدیده‌ها می‌پردازد تا در نظام ذهنی خود، دوباره آن‌ها را باز سازد. از این رو شاید در همه چیز شک کند و یا به همه چیز، حتی افکار و عقاید والدین خود انتقاد نماید در این دوره، بر خلاف کودکی، نوجوان بزرگسالان را افرادی عاری از عیب و اشتباه نمی‌داند، بلکه به عکس کوچک‌ترین عیب والدین را با ذره‌بین مخصوص دوره بلوغ بزرگ می‌بیند و شاید این اشتباه اصلاً برای نوجوان قابل تحمل و بخشش نباشد.

بنابراین، در این دوره، نوجوان در ابعاد وجود خود، باورها و اعتقاداتش دچار شک و تردید می‌شود، نه این که آن‌ها را نفی کند بلکه می‌خواهد آن‌ها را دوباره سازی کند و آنچه را که قبلاً از روی تقلید و اطاعت پذیرفته بود، با زیربنای فکر و استدلال ذهنی خود بازسازی کند. بدین وسیله، او در پی کسب «استقلال فکری» خود است. از این رو، در این دوره، معلمان و مربیان نباید انتظار داشته باشند آنچه را آن‌ها می‌گویند نوجوان بپذیرد و آن‌ها باید به این خصوصیت شناختی نوجوان توجه کافی مبذول دارند و از شک و تردیدهای نوجوان نسبت به موضوعات گوناگون دچار نگرانی و اضطراب نشوند، بلکه از شک او برای رسیدن به یقین استفاده نمایند. (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۷) حضرت علی (ع) نیز می‌فرمایند: «شک و تردید انسان ملاکی برای عقل اوست». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۴)

بنابراین، به اولیاء و مربیان توصیه می‌شود مواظب باشند که نوجوانان در شک باقی نمانند و این امکان را فراهم آورند که آن‌ها پایه‌های منطقی و فلسفی مسائل اعتقادی را به تدریج بنا نهند.

سه - گرایش به خوبی‌ها و خیرها

بشر بر اساس فطرت انسانی خود به ارزشهای اخلاقی و خوبی‌ها گرایش دارد و طبعاً مایل است به خوبی‌ها بگراید و از بدی‌ها اجتناب نماید. این گرایش با علم خدادادی به خوبی‌ها و بدی‌ها همراه است. یعنی بدون مربی و معلم، اصول اولیه خوبی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند این تشخیص فطری که ناشی از هدایت تکوینی خداوند است، در قرآن شریف به الهام الهی تعبیر شده است (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۵)؛ «قسم به جان بشر و قسم به خداوندی که آن را کامل و موزون آفرید و نیک و بدش را به وی الهام کرد»^۲ (شمس، ۷-۸). امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرموده است: «خداوند بر بشر آشکار فرموده آنچه را که خوب است و باید عملی کند و آنچه را که بد است، باید ترک نماید»^۳ (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۳)؛ «ما بشر را به خیر و شرش شرش هدایت نمودیم»^۴ (بلد، ۱۰)؛ حضرت امام صادق (ع) در تفسیر «نجدین» فرموده است: مراد خیر و شر است.

در دوران نوجوانی و جوانی مفاهیم ارزشی برای انسان توسعه می‌یابد (سلیمانی فر، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹). نوجوان برای انجام نیکی و درستکاری حساسیت مخصوصی دارد و از آن لذت می‌برد، همواره در اندیشه پاکی و فضیلت است و می‌کوشد که گفتار و رفتارش به راستی و درستی استوار باشد. نوجوان نه تنها بر نادرستی دیگران افسوس می‌خورد و از اعمال ناپاک مردم رنج می‌برد، بلکه در دل آرزو دارد قدرتی به دست آورد تا ناپاکیها را از بیخ و بن براندازد و دنیای تازه‌ای را بر اساس اخلاق و فضیلت و عدل و انصاف پایه‌گذاری کند. (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۲۴۵)

۱. «ظَنَّ الْإِنْسَانُ مِيزَانُ عَقْلِهِ».

۲. «وُ نَفْسِي وَ مَا سَوَّأَهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا».

۳. «قَالَ بَيْنَ لَهَا مَا تَأْتِي وَ مَا تَتْرُكُ».

۴. «وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ».

دبس، نیز، بر این اعتقاد است که در حدود پانزده تا هفده سالگی نوجوانان به ندای تقدس یا شجاعت به لرزه در می‌آیند و آرزومند می‌شوند که جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و نابود کنند و عدالت مطلق را حکم فرما کنند. (دبس، ۱۳۵۷، ص ۱۲۲ و ۵۴)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «نوجوانان را دریا، زیرا آنان شتاب بیشتری نسبت به هر امر نیکویی دارند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۳). همچنین امام باقر (ع) فرمودند: «مردی از بنی اسرائیل پسری داشت و برای این پسر دوستی بود که به خواب او آمد و به او گفت: فرزندت در شب عروسی می‌میرد. وقتی که شب عروسی فرزند فرا رسید، پدر در انتظار مرگ او بود، ولی صبح متوجه شد که فرزند سالم است، سراغ پسر رفت و پرسید: فرزندم، آیا شب گذشته کار خیری انجام دادی؟ فرزند پاسخ داد: خیر، فقط سائلی در خانه آمد و من غذایی را که برای من فراهم آورده بودند، به او دادم. پدر گفت: به سبب همین کار، بلا از تو دور شد»^۲. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۵۰۲)

شکوفائی گرایش به خیر و خوبی و سجایای اخلاقی در نوجوانان از هر ملت و نژاد، سبب شده است که دانشمندان روانشناس، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روانشناسی جوان مستقلاً درباره آن گفتگو کنند. (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۳۴۲)

چهار - دین‌گرایی و حق‌پذیری

گرایش مثبت به آنچه واقعیت و حقیقت است و پذیرش آن، از ویژگی‌های فطری است که در دوره نوجوانی به شکوفائی نسبی می‌رسد. علم به برخی از حقایق که زندگی همراه با کمالات انسانی را موجب می‌شود؛ از واقعیت درون نوجوان نشأت می‌گیرد.

یکی از حقایق که واقعیت درونی آدمی است «دین‌گرایی» است^۳ (روم، ۳۰). این روحیه به اعتراف بسیاری از روانشناسان در آغاز دوران جوانی به شدت فعال گردیده، رشد می‌یابد (خادمی کوشا، ۱۳۸۵، ص ۶۲). دین‌خواهی یکی از خواسته‌های فطری بشر است که با فرا رسیدن بلوغ، مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان بیدار می‌شود و آنان را به مجاهده و کوشش وادار می‌دارد. جوانان به طور طبیعی رغبت وافر به درک مسائل مذهبی دارند و گفتارهای مذهبی را با کمال علاقه‌مندی و رضای خاطر می‌شنوند (همان، ص ۶۴). مورس دبس می‌نویسد: «در دوران بلوغ یک نوع نهضت مذهبی حتی نزد کسانی دیده می‌شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بودند و در سنین کمال و پختگی نیز دوباره لاقید و بی‌اعتنا می‌شوند. طبق نظر استائلی هال، حداکثر این احساسات مذهبی در حدود ۱۶ سالگی پیدا می‌شود» (دبس، ص ۱۱۸، به نقل از خادمی کوشا، ۱۳۸۵، ص ۶۴)

درویس اودلوم یکی از روانشناسان بلوغ نیز، در کتاب خود آورده است: در سال‌های بعد از بلوغ خیلی از پسرها و دخترها داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می‌یابند. وقتی نوجوانان به دنیای اطراف خود می‌نگرند و می‌کوشند شخصیت خود را ارزیابی کنند، احساس می‌کنند درباره طبیعت و معنی وجود انسان و حتی خود، نیازمند پاسخ به پرسش‌هایی هستند.

۱. «عَلَيْكَ بِالْأَخْدَانِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ».

۲. «إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ لَهُ ابْنٌ وَكَانَ لَهُ مُجْتَبَأٌ فَأَتَى فِي مَنَامِهِ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ ابْنَكَ لَيَدْخُلُ بِأَهْلِهِ يَمُوتُ قَالَ فَلَمَّا كَانَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَبَنَى عَلَيْهِ أَبُوهُ تَوَقَّعَ أَبُوهُ ذَلِكَ فَأَصْبَحَ ابْنُهُ سَلِيمًا فَأَتَاهُ أَبُوهُ فَقَالَ يَا بَنِيَّ هَلْ عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ سَأَلْتُ أَبِي الْبَابَ وَ قَدْ كَانُوا ادَّخَرُوا لِي طَعَامًا فَأَعْطَيْتُهُ السَّائِلَ فَقَالَ بِهِدًا دَفَعْتَ عَنكَ».

۳. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».

(سلیمانی فر، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸). وی همچنین اشاره به این مطلب می‌کند که امنیت خاطر در گرو پذیرش مذهب حاصل می‌شود. نوجوانان و جوانان احساس امنیت بیشتری می‌کنند آن هنگامی که به یک تشکیلات مذهبی وابسته باشند که میلیون‌ها مردم در طی قرون بدان ایمان داشته‌اند. (اودلوم، ۱۳۵۴، ص ۱۴۵)

در تمام ادیان الهی، دوره نوجوانی به عنوان دوره آغاز عمل به آداب و شعایر دینی و دوره آموزش عملی دینداری به حساب می‌آید. در این دوره است که نوجوان به زندگی مذهبی بزرگسالی ورود پیدا می‌کند و دینداری را تجربه می‌کند و به باورها و احساسات مذهبی استحکام می‌بخشد. (لطف آبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۴)

هنگامی که رسول اکرم (ص) در مکه قیام کرد و دعوت خود را بین مردم آشکار نمود، شور و هیجان عظیمی در قشر نوجوان و جوان پدید آمد. آنان طبق تمایل فطری دین‌گرایی، در اطراف حضرت محمد (ص) اجتماع کردند و تحت تأثیر گفتارش قرار گرفتند. این امر سبب بروز اختلافات شدیدی در خانواده‌ها، و بین جوانان و سالمندان گردید (خادمی کوشا، ۱۳۸۵، ص ۶۴). در مدینه نیز «مصعب» فرستاده پیامبر (ص)، مشغول تبلیغ دین بود و آن‌جا هم جوانان از پیشگامان قبول دین اسلام بودند. مصعب هر روز برای تبلیغ دین به میان مردم می‌رفت و پیش از همه، جوانان نارس و نوجوانان او را می‌پذیرفتند. (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۵۷)

پیامبر اکرم (ص) به روحیه بی‌غل و غش بودن نوجوانان و جوانان در حق‌پذیری اشاره کرده و می‌فرماید: «من به شما درباره نوجوانان و جوانان توصیه به خیر و نیکی می‌کنم. چرا که قلبهای آنان، هنوز غل و غش پیدا نکرده و نسبت به پیران از رقت، لطافت و سلامت بیشتری برخوردارند و به همین دلیل هنگامی که خداوند مرا به پیامبری و بشارت و انذار برانگیخت، نوجوانان و جوانان به من گرویدند و یاری‌ام کردند، (اما) بزرگسالان و پیران به مخالفت با من پرداختند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۹). مردی به نام ابو جعفر احوّل از دوستان امام صادق (ع) مدتی به تبلیغ و نشر تعالیم اهل بیت (ع) اشتغال داشت. روزی به محضر امام (ع) شرفیاب شد. امام از او پرسید: مردم بصره در قبول روش اهل بیت (ع) و سرعت پذیرش آیین تشیع چگونه اند؟ عرض کرد: تعداد اندکی از مردم، تعالیم اهل بیت را پذیرفتند. امام (ع) به وی فرمود: تبلیغات خود را متوجه نسل جوان کن و به آنان بپرداز، زیرا کودکان و نوجوانان برای پذیرش هر خوبی آمادگی بیشتری دارند و حرف حق را زودتر می‌پذیرند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۲۴۰)

پنج- محبت و مهربانی

یکی از اساسی‌ترین گرایش‌های فطری، میل به دوست داشته شدن و میل به دوست داشتن دیگران است. روانشناسان برجسته و صاحب نظران، این نیاز روانی را در درجه نخست اهمیت قرار داده‌اند، نیاز به محبت یک فرآیند فعال و پویاست که از بدو تولد در آدمی وجود دارد و به تدریج، متنوع و پیچیده می‌گردد. برخی از بزرگان مانند خواجه نصیرالدین طوسی این میل فطری را منشأ میل به انس گرفتن و انس پذیر بودن انسان دانسته‌اند و گفته‌اند که، واژه انسان از ریشه «انس» است؛ یعنی انسان، انس گیر و انس پذیر است و مهر می‌ورزد و دوست دارد به وی مهر ورزیده شود (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴) این میل مهرورزی اگر درست هدایت شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، زیرا تأمین‌کننده امنیت روحی و روانی او در هنگام مواجهه با مشکلات فردی و اجتماعی است. در دوره نوجوانی این میل، هم در بُعد دوست داشته شدن، و هم در بُعد دوست داشتن دیگران، جلوه ویژه‌ای دارد.

۱. «اوصیکم بالشَّبَانِ خَیْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشَّبَانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ».

شکوفاسازی این استعداد فطری از طریق هنر محبت و مهرورزی (سبحانی نیا، ۱۳۹۵، ج ۶، ص ۸) باعث شکل گیری شخصیت سالم در نوجوان می شود. پیشوایان دین دوست داشتن قلبی و ابراز نمودن این محبت و میل باطنی را برای زمینه سازی و ایجاد نشاط روانی نوجوانان لازم می دانستند و خود، با ابراز علاقه به آنان نیروهای خلاق درون آنها را شکوفا می ساختند. معصومان (ع) به کودکان، نوجوانان، خانواده و اطرافیان خویش، بطور متناسب محبت می کردند و با احترام، تحسین و تشویق، شخصیت آنها را بارور می ساختند و علاقه آنان را به سمت و سوی مسائل و عملکردهای عام المنفعه ساماندهی می کردند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۷۱)

محبت متناسب به نوجوان بستری را در وجودش مهیا و آماده می سازد که تعلیم و تربیت دینی را در برابر همه اغواهای شیطانی، بپذیرد و زمینه ساز رشد و تکامل وی گردد.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۳)

در منابع روایی تأکید بر این است که باید پیش از آن که نوجوان تحت تأثیر عوامل اغوائی، جذب راه های بیگانه شود و عقل و اندیشه اش را افکار نادرست فراگیرد و دلش مرده و سخت شود و نتواند خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد؛ باید والدین و مربیان به تربیتش همت گمارند. تربیتی منظم و متعالی، به آن گونه که در سایه اندیشه و تفکر به امور مربوط به خودش اقدام کند و از تجربه های مکرر و انجام آزمایش های دوباره که اهل تجربه انجام داده اند معاف گردد و به تجربه ی مجدد نیاز نداشته باشد.^۲ (رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۳)

از جلوه های بسیار ارزشمند محبت در دوره نوجوانی دوستی صمیمانه با خدا (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۲۴) و مرکزیت دادن به آن در همه روابط محبتی دیگر است. پیامبر اکرم (ص) درباره چنین نوجوانی می فرماید: محبوب ترین خلاق نزد خدا نوجوان خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد. خداوند رحمان به وجود چنین نوجوانی بفرشتگان می بالد و می فرماید: این است بنده راستین من!^۳ (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۰) این بدین معنی است که همه دوستی ها در طول دوستی با خدا ارزش پیدا می کند. امام صادق (ع) می فرماید: «ایمان فرد خالص نمی شود، تا آن که خداوند در نظر او از پدرش، مادرش، فرزندان، خانواده و هر آن چه از مردم دارد، محبوب تر باشد»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۴). در دعاها نیز آمده است: «بارالها، دوستی ات را محبوب ترین چیزها برایم قرار ده» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۸۲).

باید به نوجوان آموخته شود که روابط خود با غیر خدا را براساس رابطه با خدا تنظیم کند. و در هر یک از دوستی با اولیای خدا، پدر، مادر و دیگران جلوه های دوستی با خدا را بنمایاند. این محوریت دوستی خداوند موجب دریافت محبت خدا می شود (آل عمران، ۳۱). در حدیث معراج آمده است: آنان که به خاطر من با یکدیگر دوستی ورزند، و به هم مهر ورزند، مستحق محبت من هستند و آنان که به خاطر من با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنند، و به من توکل نمایند، مستحق محبت من هستند، دوستی من نشانی و فرجامی و پایانی ندارد.^۵ (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۹)

۱. «إِنَّمَا قَلْبُ الْخَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ».

۲. قال علی (ع): «فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَيَسْتَعْلِ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتَهُ وَتَجَرَّبْتَهُ».

۳. قال الصادق (ع): «إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى شَابٌّ حَدَثَ السِّنِّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكَ الَّذِي يُبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ فَيَقُولُ هَذَا عَبْدِي حَقًّا».

۴. «لَا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ».

۵. «رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ يَا رَبُّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَ الرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ يَا مُحَمَّدٌ وَ حَبَّتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَخَلِّينِ فِيَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُنْعَاطِفِينَ فِيَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِيَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ وَ لَيْسَ لِمَحَبَّتِي عِلْمٌ وَ لَا غَايَةٌ وَ لَا نِهَائَةٌ».

لازم به توجه است که، دوستی با خدا از دو مؤلفه تشکیل یافته است. یک مؤلفه ایجابی که از آن به «تولی» یاد می‌شود و دیگری مؤلفه سلبی که در آموزه‌های دینی از آن به «تبری» تعبیر می‌گردد (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). امام صادق (ع) می‌فرماید: «دوستی در راه خدا واجب است و دشمنی در راه خدا نیز واجب است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۵۲). رسول خدا (ص) به یکی از اصحاب خود فرمود: «به خاطر خدا دوست بدار، و به خاطر خدا نفرت داشته باش و به خاطر خدا دوستی کن و به خاطر خدا دشمنی ورز؛ زیرا دوستی خدا جز با اینها به دست نیاید»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۱). از آنچه بیان شد به خوبی دانسته می‌شود که دوستی با خدا به عنوان یکی از محوری‌ترین نیازهای تربیتی در گستره وسیعی از رفتارهای نوجوانان باید مورد توجه مبلغان و مربیان قرار گیرد و با شکوفاسازی فطرت، یادآوری مهر و محبت‌های خدا، دوستی به خدا را در دل آنان تقویت نمایند.

شش - روحیه استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران

دوره نوجوانی و جوانی بر عکس دوره کودکی دوره گسست از وابستگی به خانواده و اعتماد به توانایی‌های خویش و قدرت شخصی و استقلال خواهی است. با شروع دوره بلوغ، نوجوان رفته‌رفته به صورت آگاهانه دنیای جدیدی را برای خویش ترسیم می‌کند که در آن نقش اصلی از آن خود اوست؛ برای خویشتن حق رأی، نظر و قدرت عمل قائل است. خود را از خانواده جدا می‌کند و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌نماید، «مشارکت جویی» نوجوان در چرخه فعالیت‌های اجتماعی، دینی و سیاسی در راستای تأمین همین گرایش فطری او است. (حسینی زاده و حاجی ده آبادی، ۱۳۸۶، ص ۴۱)

از نظر متون اسلامی، دوره نوجوانی دوره وزارت است.^۳ وزیر اگر چه در حوزه کاری خویش مستقل است، ولی باید تحت قاعده و ضابطه اداری دولت حرکت کند. نوجوان نیز اگر چه از توانایی‌های ادراکی و جسمی و بدنی ویژه‌ای برخوردار است، به همان میزان شهوت و غرایز در او شعله ور است و بی‌تجربگی و عدم پختگی هر آینه امکان دارد او را از سریر سلطنت به زیر بکشاند، پس باید ضمن حفظ روحیه استقلال خواهی و مشارکت جویی، او را قانون مند و ضابطه‌گرا بار آورد. (همان، ص ۴۲)

نوجوانی که استقلال طلبی فطریش شکوفا شده، خود مسئولیت اعمال خویش را بر عهده می‌گیرد و مسئولیت کارها و اعمال خویش را به عهده دیگران نمی‌اندازد. او در انجام کارها به خود اعتماد دارد. البته نه به این معنی که خود را از کمک و مشورت دیگران بی‌نیاز بداند بلکه همان‌گونه که پیشوای اول مسلمین فرموده: لازم است هر انسانی در باطن خود نسبت به مردم دارای دو احساس باشد: یکی احتیاج به آن‌ها و دیگری بی‌نیازی از آن‌ها. احساس احتیاج را با سخنان نرم و روی گشاده خود آشکار کند، و بی‌نیازی خویش را به وسیله اجتناب از زبونی و حفظ شرافت شخصی خود ظاهر سازد.^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۹؛ فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۹۵)

^۱ قال الصادق (ع): «حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَ الْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ».

^۲ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ: «أَحِبُّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغِضُ فِي اللَّهِ وَ وَالِّ فِي اللَّهِ وَ عَادِ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَنَالُ وَ لَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ».

^۳ «لَوْلَدُ سَيِّدِ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۵).

^۴ «لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الْاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونَ افْتِقَارَكَ إِلَيْهِمْ فِي لِينِ كَلَامِكَ وَ حَسَنَ بَشْرِكَ وَ يَكُونَ اسْتِغْنَاءُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرْضِكَ وَ بَقَاءِ عَرْكَ».

احساس استقلال خواهی و عدم وابستگی به دیگران از خود باوری و اتکاء به نفس است. خودباوری، این است که فرد خودش را قبول داشته باشد و به عقل و عزم و تصمیم و توانمندیهای خویش در انجام کارها اعتماد نماید و در زندگی، روی پای خود بایستد. دانشمندان تمام موفقیت‌های فردی و اجتماعی انسانها را ناشی از اعتماد به نفس دانسته اند. به نظر آنان افراد متکی به نفس، با شخصیت و مستقل اند، در خود احساس اطمینان می‌کنند، مرد سعی و عمل اند و در انجام وظایف خویش کوشا و جدی هستند، به این و آن طمعی ندارند و هرگز زیر بار ذلت و زبونی نمی‌روند. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۹۵)

در روایات اسلامی تکیه بر خود و عمل خویش، محور خوشبخت شدن دانسته شده است و از اینکه افراد بخواهند با آمال و آرزوهای دور و دراز بجائی برسند، بر حذر داشته شده اند. چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: «افراد عاقل به سعی و کوشش خود تکیه می‌کنند ولی مردان نادان به آمال و آرزوهای خویش متکی هستند»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۶). همچنین آن حضرت در ضمن نصایح خود به امام حسن مجتبی (ع) فرموده است: فرزند عزیز! بپرهیز از این که بر آرزوهای نفسانی خویش اعتماد نمایی زیرا تکیه بر آرزوها، متاع مردم احمق و کم خرد است^۲ (رضی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۲). طبق آن چه خداوند فرموده است که: برای آدمی جز حاصل کوشش او پاداشی نیست و نتیجه سعی و کوشش هر کس بزودی مشاهده می‌شود^۳ (نجم، ۴۰-۳۹) و یا: هر انسانی در گرو اعمال خویش است.^۴ (مدثر، ۳۸)

نتیجه می‌گیریم که آن چه می‌توانیم بر آن تکیه کنیم تنها خود ما هستیم و اعمال و کردارمان. همچنین آنچه در روایات اسلامی توصیه شده است این است که نوجوانان و جوانان باید متکی به خود بوده و وابسته به دیگران نباشند. امام صادق (ع) فرموده است: «آن که خود را اجیر دیگری کند، در روزی را به روی خود بسته است»^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۰) و در جای دیگری می‌فرماید: «کسی که هر چه به دست می‌آورد، از آن کارفرمایی است که او را اجیر کرده است، چگونه روزیش بسته نشود»^۶ (همان). به این ترتیب با مذمت وابستگی به دیگران حس استقلال طلبی در کار و زندگی را در جوان تقویت می‌کنند. در احادیث دیگر بی‌نیازی از مردم که نشانه استقلال جوان است توصیه شده است و نتیجه آن را عزت می‌داند. امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگترین بی‌نیازی، نومیدی از چیزهایی است که در دست مردم است»^۷ (رضی، ۱۴۱۴، ج ۱، حکمت ۳۴۲).

زندگی همه‌اش مبارزه و پیکار و تلاش و کوشش است. هر انسانی در طول عمر با صدها بلکه هزارها مشکل مواجه می‌شود، برای اینکه زنده بماند و زندگی کند ناچار است با قوای طبیعی عالم بجنگد و آن‌ها را مسخر گرداند، با بیماری‌ها و عوامل آنها پیکار نمایند، با تجاوزها و تعدی‌ها و عوامل مزاحم آسایش و آزادی، مبارزه کند. در صحنه نبرد زندگی کسی پیروز است که نفس بزرگ و همت عالی و اراده‌ای نیرومند داشته باشد. ریشه خوشبختی یا بدبختی هر کس در وجودش نهفته است. همت و اراده عالی، هر دشواری را آسان بلکه محالات را نیز ممکن می‌گرداند. انسان با اراده، در دریای ژرف زندگی، مانند پر کاهی نیست که با موج دریا بازی کند و این طرف و آن طرف برود، بلکه شناگر ماهری است که نه تنها با بازوی نیرومند و اراده‌ی آهنین خویش و توکل بر خدا به هر طرف خواست شنا می‌کند بلکه حوادث جهان را نیز از مسیرشان منحرف می‌سازد.

۱. «لَعَاقِلٌ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ».

۲. «إِيَّاكَ وَ الْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكَى».

۳. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى».

۴. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ».

۵. «مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّزْقَ».

۶. «وَكَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الْأَذَى آخِرُهُ».

۷. «لَعِنَى الْأَكْبَرُ الْبِئْسَ عَمَّا فِي أُيْدِي النَّاسِ».

هفت - مسئولیت پذیری

با شروع دوره نوجوانی، درک عقلی و میل طبیعی آدمی به مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد و نوجوان احساس تکلیف می‌کند و به همین جهت، از نظر فقه اسلامی، تکالیف الهی متوجه آنان می‌شود و در قبال عدم انجام آن‌ها و یا انجام کارهای خلاف مؤاخذه می‌گردد.^۱ این امر نشان می‌دهد که در دوره‌ی نوجوانی، فرد می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد زیرا شخصیتش آن قدر رشد یافته که در آستان ربوبی از او به عنوان مکلف پذیرایی شود. در واقع بزرگ‌ترین حادثه در فرآیند رشد و تربیت دینی انسان در این دوره رقم می‌خورد و لباس فاخر و گران قدر بندگی خدا در این دوره به طور رسمی و با تکالیف و مسئولیت‌های ویژه، در این دوره بر تن فرد پوشانده می‌شود، از این رو پاسداشت آن قابل اهمیت است (حسینی زاده، حاجی ده آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). بدلیل مسئولیت‌پذیر بودن نوجوان است که پیامبر اسلام (ص) این مرحله را مرحله وزارت و مشاوره والدین با او در امور خانه و زندگی خانوادگی دانسته است^۲ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲). نوجوانان بدلیل احساس مسئولیتشان نه تنها در مقابل کج روی، انحراف، جهالت و فساد سکوت نمی‌کنند و یا در جریان آن حل نمی‌شوند، بلکه در برابر حرکت جامعه و خانواده و نزدیکان خویش، خود را مسئول می‌دانند. آنان از این‌که دیگران در منجلاب فساد و بیراهه‌های سرگردانی به سوی نابودی در حرکت باشند، رنج می‌برند.

نوجوان می‌فهمد که هر انسانی مسئول اعمال خویش است (انعام، ۱۰۴؛ مدثر، ۳۸). و هر یک از اعضای آدمی مانند گوش و چشم و دل، همه دارای مسئولیتند (اسراء، ۳۶)، و خودش سرنوشت خودش را رقم می‌زند (رعد، ۱۱)، قرآن در آیات متعدد به زوایای این مطلب این‌گونه اشاره می‌کند که انسان نمی‌تواند بار گناه دیگری را به دوش بکشد، چه خویشاوندان (فاطر، ۱۸) و چه گذشتگان (بقره، ۱۳۴)، هر کس در برابر اعمال خود مسئول، و مورد سؤال قرار می‌گیرد (نحل، ۹۳)، و تنها نتیجه اعمال خود را دریافت خواهد نمود (فصلت، ۴۶) و در برابر نعمت‌هایی که به او داده شده است، باز خواست می‌شود (تکواثر، ۸)، هر کس کار شایسته کند سود خواهد برد و هر کس کار بد انجام دهد زیان خواهد برد (انعام، ۱۶۴؛ جاثیه، ۱۴-۱۵)؛ (بوالهیری، نوری قاسم‌آبادی، رضانی فرانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱) امام صادق (ع) نیز، تأکید دارد بر اینکه هر کس بار مسئولیت خویش را خودش باید بر دوش بگیرد، و اگر از انجام وظیفه‌شانه خالی کند، دیگری بار مسئولیت او را حمل نخواهد کرد^۳ (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶).

البته نوجوان نسبت به خانواده خویش هم، احساس مسئولیت دارد. قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند حفظ کنید»^۴ (تحریم، ۶) (بوالهیری، نوری قاسم‌آبادی، رضانی فرانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱). بنابراین این انسان است که از بین تمام موجودات عالم مسئولیت‌پذیرش تکلیف الهی را به عهده گرفته است. مسئولیتی که آسمان‌ها و زمین از پذیرش آن سر باز زدند^۵ (احزاب، ۷۲) و در عین حال خود و هر انسان دیگر را مسئول اعمال خویش می‌داند.^۵ (نجم، ۳۹-۳۸)

^۱ امام علی (ع) می‌فرماید: «تَجِبُ ... وَ الْخُدُودُ إِذَا اخْتَلَمَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۵، ص ۱۳۲).

^۲ «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ.»

^۳ «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ.»

^۴ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.»

^۵ «أَلَا تَرَىٰ تَرزُ وَارِزَةً وَرَزَّ أُخْرَى * وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.»

پیامبر اسلام(ص) با توجه به مسئولیت پذیری نوجوانان و جوانان کوشش داشت تا مسئولیت‌های فرهنگی- اجتماعی را به آنان بدهد. برای نمونه جوان نوری به نام مصعب بن عمیر که از فضائل اخلاقی و رفتار منطقی و دینی برخوردار بود، را به عنوان مبلغ و مربی به شهر یثرب فرستاد(طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۵۷)، وی اولین کسی است که در مدینه نماز جمعه و جماعت برپا کرد و عاقبت نیز در جنگ احد به شهادت رسید.(همان، ص ۱۹۱)

اولین فرماندار مکه هم که پس از فتح مکه با عنوان امیر، از سوی پیامبر(ص) برگزیده شد، عتاب بن اسید ۲۱ ساله بود. وی اولین امیری بود که نماز جماعت را در مکه برپا نمود(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۲۲). و آخرین فرمانده منتخب رسول الله(ص)، نوجوان ۱۸ ساله ای به نام أسامه بن زید بود. پیامبر(ص) به اندازه‌ای در پیروی از لشکر اسامه تأکید فرمود که حتی متخلفان از فرمان او را نفرین کرد(احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۶۸۱). اولین مسلمانی که در سن ۱۳ یا ۱۵ سالگی برای یاری پیامبر(ص) اعلام آمادگی نمود، «علی بن ابیطالب(ع)» بود که پیامبر(ص) او را در همین سنین جهت وصایت و جانشینی خود انتخاب کرد(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۷۷). وی اولین مسلمان و اولین یاور پیامبر(ص) در محیط شرک آلود و خفقان آور مکه بود که در مراسم دعوت خویشاوندان پیامبر(ص)، به عنوان وصی، جانشین و معاون پیامبر(ص) معرفی گردید.

هشت- حفظ و ارتقای بخشی عزت نفس

عزت خواهی انسان در دوره نوجوانی تبلور بیشتری پیدا می کند. عزت در لغت به معنی صلابت و قوت و حالت شکست ناپذیری است. «عزت، حالتی است که نمی گذارد انسان مغلوب کسی و چیزی گردد و شکست بخورد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳). عزت در مورد انسان یعنی آبرو و شخصیت و عدم کرنش در برابر صاحبان زر و زور (عبدوس، اشتهازدی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸). اصل عزت برای خداوند است و هر کسی که طالب عزت باشد باید به او متصل باشد^۱ و عزت او را پاس دارد در این صورت است که خدا فرد را عزتمند می سازد. حضرت علی(ع) می فرماید: خداوند که نام او بزرگ است، یاری کند هر که او را یاری کند و عزت بخشد هر کسی که او را عزیز دارد، بر عهده گرفته است^۲ (رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۳). البته شرط اعطای عزت دوری از شرارت است. امام علی(ع) می فرماید: هر که از شر و بدی برائت جوید به عزت دست یابد^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۶). از مصادیق بارز عزت نفس بی نیاز دانستن خود از دیگران است که همواره در روایات به آن توصیه شده است و کسانی که دارای چنین صفت ارزنده ای هستند، مدح گردیده اند. در خصال به نقل از سهل بن سعد آمده است که جبرئیل(ع) نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «... بدان که بزرگی آدمی به شب زنده داری و عزت او در بی نیازی از مردم است»^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۸). امام علی(ع) فرموده است: «بزرگترین بی نیازی، نومییدی از چیزهایی است که در دست مردم است»^۵ (رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۴۲)؛ و نیز فرمودند: «خواری، در خواستن از مردم است»^۶ (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۷). از امام زین العابدین(ع) آمده است: «تمام خیر و برکت را در بریدن طمع از آنچه دست مردم است، یافتم»^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۸)

۱. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر، ۱۰).

۲. «فَإِنَّهُ جَلَّ إِسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَّ بِنَصْرِهِ مِنْ نَصْرِهِ وَ إِنْ غَرَّازَ مِنْ أَعْرَهِ».

۳. «مَنْ بَرِيَ مِنَ الشَّرِّ نَالَ الْعِزَّةَ».

۴. «شَرَفَ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزَّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ».

۵. «الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْبَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ».

۶. «الذُّلُّ فِي مَسْأَلَةِ النَّاسِ».

۷. «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ».

برای پرورش عزت خواهی نوجوانان می بایست اولاً در بیدار کردن عزت خواهی فطری و شکوفاسازی و پرورش آن در این دوره کوشش شود. ثانیاً متوجه گردند که خداوند آنان را عزیز آفریده است. ثالثاً آثار عزتمندی در زندگی دنیوی و اخروی آنان تبیین شود. رابعاً آموزش ببینند که برای کسب عزت، رابطه محکمی با خدا لازم است. خامساً با آنچه از امور متضاد با عزت است، آشنا گردند و عوارض رفتارهای غیرعزتمندانه برایشان تبیین شود در این صورت است که نوجوان چون عزتمندی و جایگاه بالای خود را نزد خداوند می داند، به عملی دست نمی زند که نارضایتی او را در بر داشته باشد. به علاوه سایر افراد جامعه را دارای عزت می داند و حاضر نمی شود با آبرو، احساس، کرامت، جایگاه، عقاید، اندیشه و... دیگر افراد جامعه بازی کند. وقتی انسان خود عزتمند باشد، بی گمان برخورد عزتمندانه هم با سایر افراد جامعه خواهد داشت و در رابطه و تعاملات خود با سایر افراد جامعه حتماً از این ارزش انسانی استفاده خواهد کرد. علاوه بر اینکه نوجوانان دوست دارند مقبولیت اجتماعی داشته باشند و این در برقراری رابطه مطلوب و عزتمندانه آنان با دیگران مؤثر است.

نه - تمایل به فعالیت های پر شور و نشاط

از مشخصات نوجوانی شکوفاسازی نشاط فطری و انجام فعالیت های شور آفرین است. نشاط با امید به آینده و روشن نگاه داشتن نیازها، علایق، خواسته ها و تمایلات خدادادی همراه است.

امام علی(ع) ضمن توصیه به نشاط به برخی از پیامدهای مطلوب آن اشاره می کند و می فرماید: نشاط و شادمانی مایه بهجت و انبساط روح آدمی است^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱۳) و از اینرو بهره مندی از فرصت های بهجت را از ویژگی های افراد عاقل دانسته بدین صورت که آنان فرصت ها را مغتنم می شمارند و از آنها به نفع خوشبختی و سعادت خویش استفاده می کنند^۲ (همان، ص ۵۸). توصیه پیشوایان معصوم(ع) همواره بر این بوده است که اوقاتی از شبانه روز را برای تفریح اختصاص داده شود. امام رضا(ع) می فرماید: «از لذت دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه های مشروع بدست آورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید، تفریح و سرگرمی لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری می کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۴۶). امام صادق(ع) فرموده: «شایسته است مسلمان عاقل ساعتی از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام می گیرد اختصاص دهد و ساعتی برادران ایمانی و دوستان خود را ملاقات کند و در امور معنوی و اخروی با آنان گفتگو نماید و ساعتی نفس خود را با لذت و مشتیهاتش که گناه نباشد آزاد بگذارد و این ساعت لذت، آدمی را در انجام وظائف دو ساعت دیگر کمک می کند»^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۷) و نیز فرمود: «خداوند به داوود پیامبر وحی فرستاد، ای داوود، به وجود من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من متنعم باش»^۵ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۹۶). شادی و فرح

۱. «السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ».

۲. «اوقات السُّرُورِ خُلْسَةٌ».

۳. «اجْعَلُوا لِنَفْسِكُمْ حَقًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْخَلَالِ وَ مَا لَمْ يَثْلِمِ الْمَرْؤَةُ وَ لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدُّنْيَا».

۴. «يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَائِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ».

۵. «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ عَ يَا دَاوُدُ بِي فَرَحٍ [أَفْرَحُ] وَ بِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ وَ بِمَنَاجَاتِي فَتَنَعَمْ».

نعمتی خداوندی است و هم او شادمانی را برای آدمی ارزانی داشته است. بگو به فضل و رحمت خداست که (مؤمنان) باید شاد شوند^۱ (یونس، ۵۸) تا جایی که گشاده‌رویی را از صفات برجسته مؤمن می‌دانند و از عبوس بودن بی‌زاری می‌جویند.

چنان‌که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند کسی را که در مقابل برادران دینی خود عبوس و اخمو باشد دشمن می‌دارد»^۲ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۲۱). می‌بینیم که دین اسلام پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده و مفرح دعوت می‌کند چرا که استفاده از امور مفرح در موقع مناسب و با رعایت حدود لازم برای تجدید نشاط و کاستن از یک نواختی زندگی بسیار مؤثر است (انبیایی، ۱۳۸۶، ص ۸۳). حضرت علی (ع) می‌فرماید: این دل‌ها همانند بدن‌ها خسته و افسرده می‌شوند و نیاز به استراحت دارند در این حال نکته‌های زیبا و نشاط انگیز برای آنها انتخاب کنید^۳ (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۹۷). امام علی (ع) با تأکید بر لزوم تقویت احساس امید، می‌فرماید: هنگامی که ناامیدی قلب آدمی را تسخیر می‌کند، تأسف، وی را از پای در می‌آورد^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۱).

رسول اکرم (ص) همه افراد را به ویژه نوجوانان را به فعالیت‌های با شور و نشاط تشویق می‌کردند. (لقمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰) و می‌فرمودند: «بازی کنید و تفریح داشته باشید. همانا من ناراحت‌م که در دین شما خستگی و بی‌نشاطی دیده شود»^۵. (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹)

نتیجه‌گیری

تربیت مقوله مهمی است که والدین، مربیان و مبلغان دینی را از دیرزمان تاکنون مشغول به خود کرده است. از آنجا که تربیت باید براساس ویژگی‌های روانشناختی فطری انسانی باشد و باید فهمید که آدمی چه خصوصیات، چه توانمندی‌ها و چه اهدافی دارد و چه تحولات مطلوبی را بایستی در او رشد داد؛ شناخت ویژگی‌های روانشناختی فطری انسانی برای تربیت بویژه در دوره نوجوانی که از حساسیت خاصی برخوردار است، بسیار با اهمیت است. ویژگی‌های روانشناختی فطری که ظهور و شکوفائی آنها در دوره نوجوانی از اهمیت و ضرورت برخوردار است و در آموزه‌های اسلامی، بر آنها تأکید شده است شامل: کمال جاویدخواهی، میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، گرایش به خوبی‌ها و خیرها، دین‌گرایی و حق‌پذیری، محبت و مهربانی، روحیه استقلال‌خواهی و عدم وابستگی به دیگران، مسئولیت‌پذیری، حفظ و ارتقابخشی عزت نفس و تمایل به فعالیت‌های پر شور و نشاط است. هدف این مقاله کشف و تبیین این ویژگی‌ها و تأثیر آنها در تربیت مطلوب نوجوان براساس روایات اهل بیت (ع) است.

ویژگی‌های روانشناختی فطری فوق‌الذکر که برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی زیربنا است مورد تأکید در آموزه‌های اسلامی است.

^۱ «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا».

^۲ «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُبْغِضَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ».

^۳ «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَايْتَنَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ».

^۴ «وَإِنَّ مَلَكَ الْيَأْسِ قَتَلَهُ الْأُسْفُ».

^۵ «الهُوَا وَ الْعَبَاوَا فَايْتِيَا أَكْرَهَا أَنْ يَرِي فِي دِينِكُمْ غَلْظَةً».

در رابطه با ویژگی کمال جاویدخواهی تأکید بر این است که در دوره نوجوانی که دوره اوج کمال جوئی است، نوجوان در مسیر کمال خویش، همه توانایی‌های خود را بکار بگیرد تا مراتب کمال را کسب نماید و به آنچه به صورت فطری، طالب آنست در راستای زندگی جاوید، دست یابد.

در رابطه با ویژگی میل به رشد شناختی و تعالی عقلی اجتماعی، تأکید بر این است که نوجوان برای آموختن مهارت‌های زندگی با کسب علم و تجربه تلاش کند.

در رابطه با ویژگی گرایش به خوبی‌ها و خیرها تأکید بر این است که در دوره نوجوانی ارزشهای اخلاقی و خوبی‌های انسانی فطری را شکوفا ساخته و برای کسب فضائل اخلاقی، مجدانه، کوشش نماید

در رابطه با ویژگی دین‌گرایی و حق‌پذیری تأکید بر این است که دین‌خواهی فطری با فرا رسیدن بلوغ، مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان شکوفا شود و وی را به کوشش وادارد تا باورهای مذهبی بر اساس فطرتش و بدون هر نوع انحرافی چراغ راهش بسوی سعادت باشد.

در رابطه با ویژگی محبت و مهربانی تأکید بر این است که هنر محبت و مهرورزی موجب شکل‌گیری شخصیت سالم در نوجوان گردد بدین صورت که والدین و مربیان و خود نوجوان، همگی شخصیتی را بیورانند که محبت خداوند محور محبت‌های نوجوان بوده و از جذب شدنش به عوامل انحرافی بازداشته شود.

در رابطه با ویژگی روحیه استقلال‌خواهی و عدم وابستگی به دیگران تأکید بر این است که نوجوان در چارچوب قواعد زندگی مستقل فعالیت‌های خویش را تنظیم کند و با پذیرش مسئولیت کارهای خود، اعتماد به نفس خود را ارتقاء دهد. و در عین حال نسبت به خود و خانواده و دیگران و کمک به پیشرفت جامعه، احساس مسئولیت نماید.

در رابطه با ویژگی حفظ و ارتقابخشی عزت نفس، تأکید بر این است که حس عزت‌خواهی نوجوان جهت کسب مقبولیت اجتماعی و برقراری رابطه مطلوب و عزتمندانه با دیگر افراد جامعه، پرورش یابد.

در رابطه با ویژگی تمایل به فعالیت‌های پر شور و نشاط، نیز، تأکید بر این است که نوجوان به دور از هرگونه احساس سستی، افسردگی و ناامیدی، با شور و نشاط آینده‌درخشانی را برای خویش بسازد.

منابع

- * قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه ای. قم: سپهر نوین، ۱۳۸۶
- * نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). شریف رضی.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للمصدق). تهران: کتابچی
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
 ۴. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
 ۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. قم: دار الحدیث.
 ۷. اصلانی، ابراهیم (۱۳۹۲). نوجوانی: روان شناسی نوجوانی برای والدین و مربیان. تهران: مدرسه.
 ۸. اکبری، ابولقاسم (۱۳۹۵). نیازهای نوجوانان و جوانان. تهران: مرکز رشد و توسعه.
 ۹. اکبری، ابولقاسم (۱۳۹۴). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: مرکز رشد و توسعه.
 ۱۰. انبیایی، محمد جواد (۱۳۸۶). نقش تفریح در تربیت نوجوان با توجه به آموزه های قرآن و حدیث. استاد راهنما محمد اسعدی؛ استاد مشاور علی نقی فقیهی. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه اصول دین
 ۱۱. اولوم، دوریس (۱۳۵۴). سیری در بلوغ. ترجمه کاظم سامی، محمود ریاضی. تهران: نشر توس.
 ۱۲. بوالهری، جعفر؛ نوری قاسم آبادی، ربابه؛ رضانی فرانی، عباس (۱۳۷۸). آیات قرآنی در زمینه بهداشت روانی و مربیان مدارس. تهران: انتشارات انستیتو روانپزشکی تهران، مرکز همکاری های مشترک سازمان جهانی بهداشت روان.
 ۱۳. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). تهران: دنیای دانش.
 ۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
 ۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). ده مقاله پیرامون مبدا و معاد. قم: الزهرا (س).
 ۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: آل البيت (ع).
 ۱۷. حسینخانی، هادی (۱۳۸۵). نگاهی به تحولات دوران نوجوانی جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی. معرفت، شماره ۱۰۴. ص ۲۶-۳۳.
 ۱۸. حسینی زاده، سیدعلی؛ حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان فرهنگی - هنری شهرداری، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.

۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر
۲۰. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (ط - الحدیثه). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۱. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۸۵). جوان در پرتو اهل بیت (ع). قم: بوستان کتاب
۲۲. داودی، بی بی منیژه (۱۳۸۴). بررسی شیوه ها و روش های ارتباط تربیتی با نوجوانان و جوانان در اسلام. پایان نامه سطح ۲، به راهنمایی محمد احمدی، حوزه علمیه خراسان.
۲۳. دبس، موریس (۱۳۷۵). بلوغ. ترجمه اسحاق لاله زار. تهران: خورشید نو.
۲۴. درودی، نجمه؛ ملکی، حسن (۱۳۹۲). فطرت در آیات و روایات. معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۷. ص. ۴۵-۲۹
۲۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه. تهران: دریا.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). ارشادالقلوب. قم: الشریف الرضی.
۲۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۳۰. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۵). معارف اسلامی (راه و رسم زندگی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳۱. سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۲). درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله مراتب نیازها. مدیریت اسلامی، شماره ۴۱، ص ۴۳-۹.
۳۲. سلیمانی فر، ثریا (۱۳۸۳). بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روان شناسی. تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
۳۳. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو. مطالعات اسلام و روان شناسی، شماره ۱، ص ۸۷-۱۱۶.
۳۴. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۵). مراحل رشد و تحول انسان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. شرفی، محمود؛ شرفی، زینت (۱۳۹۲). تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۱۶، ص ۱۴۰-۱۱۹.
۳۶. شعبانی، اکبر؛ باباگل زاده، رامین (۱۳۹۳). روانشناسی تربیت نوجوانان در سیره معصومین (ع). قم: آوای منجی.
۳۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمه). تهران: اسلامیة.
۳۹. طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۹). اخلاق ناصری. تهران: خوارزمی.
۴۰. عبدوس، محمد تقی؛ اشتهااردی، محمد مهدی (۱۳۷۵). بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۱. علاءالدین، محمدرضا (۱۳۸۴). نقش داستان های قرآنی به نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان. کوثر، شماره ۱۶. ص ۶۹-۶۱.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۴۳. فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۷۲). الحدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۴. فلسفی، محمد تقی (۱۳۴۴). جوان از نظر عقل و احساسات. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.
۴۵. فولادی، محمد (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی فاصله نسل ها. معرفت، شماره ۱۳۹. ص ۱۰۷-۱۳۲.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. لطف آبادی، حسین (۱۳۷۹). روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی. تهران: اسپید.
۴۸. لقمانی، احمد (۱۳۷۹). جوان و بینش های ناب. قم: انتشارات پارسیان.
۴۹. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (لیثی). قم: دار الحدیث.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). حکمت نامه جوان. قم: دارالحدیث.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). عدل الهی. قم: انتشارات اسلامی.
۵۵. مهاجر، یحیی (۱۳۷۹). نظری بر گذرگاه بلوغ و نوجوانی؛ در: مجموعه مقالات چهارمین همایش بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان.
۵۶. میبدی، حسین (۱۴۱۱ ق). دیوان منسوب به امام علی (ع). ترجمه مصطفی زمانی. قم: دار نداء الاسلام للنشر.
۵۷. میناگر، عبدالرضا (۱۳۹۰). اخلاق و تربیت اسلامی. قم: ابتکار دانش.
۵۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵۹. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام. قم: مکتبه فقیه
۶۰. هزارجریبی، جعفر؛ سیدغراب، محمد؛ جعفری کافی آباد، صابر؛ دبستانی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نیازها، علایق و اولویت های دختران نوجوان شهر تهران. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸. ص ۱۰۸-۶۳.
۶۱. هندی، علاءالدین علی الممتقی بن حسام الدین (۱۴۰۹ ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۶۲. Checkley k (۲۰۰۴). Meeting the Needs of the Adolescent Learner. *Journal of Education Update*, ۴۶ (۵).P.۱-۴.
۶۳. Kevin O, Shaun K, Latricia T, Kevin B (۲۰۱۰). Needs of elementary and middle school teachers developing online courses for a virtual school. *Journal of Distance Education*, ۳۱ (۱).P ۵۵-۷۵.